«تأثیر پذیری شیخ شبستر از کلام، تعابیر و اندیشه های شیخ نشابور»

مجید نوری

دانش آموخته ی دوره ی دکتری زبان وادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

تأثیر پذیری از شیوه ی سخن پردازی پیشینیان و به کارگیری الفاظ، تعابیر و اندیشه های بزرگان و نام آوران گذشته ی ادبیات پربار منظوم و منثور فارسی، امری شایع و مسبوق به سابقه است. بیشتر فرهیختگان و مشاهیر ادب دیرپا و کهن فارسی در سروده ها و آثار خویش تحت تأثیر مضامین، اندیشه ها و صنایع و ظرایف آثار گذشته ی مردان بزرگ و برجسته ی زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته اند. در این عرصه از بزرگان و اندیشمندانی همچون مولوی، سعدی و حافظ می توان نام برد که بسیاری از تعابیر و مضامین یا صنایع مقتبس از دیگران را باز آفرینی و تکمیل نموده و از صاحبان اصلی آنها بهتر ادا کرده اند. در این جا مراد ما از پیشینیان، بزرگان سخن فارسی است که شیخ عطّار یکی از این ستارگان قدر اوّل است. شاعر و عارف فاضل قرن هشتم، شیخ محمود شبستری، در آثار خود تحت تأثیر اندیشه ها و افکار شیخ نشابور یکی از سه مشاهیر شعر عرفانی فارسی، قرار گرفته است. در این مقاله نگارنده نمونه هایی از این اثر پذیری را با کندوکاو در آثار شیخ شبستر و شیخ نشابور ارائه نموده است تا مشخص شود، چگونه کلام ساده و گیرای عطّار که با عشق و اشتیاقی سوزان همراه است، بزرگانی را همچون شیخ شبستری تحت تأثیر قرار داده و با کمند شوق به جانب مقصود راهبری نموده است.

کلیدواژه ها: شبستری، گلشن راز، سعادت نامه، عطّار، اسرار نامه، منطق الطّیرو...

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

کلام وی در نمونه هایی که ذکر خواهد شد، به صراحت مشاهده می شود و نمایانگر طول انس شیخ شبستری با لطایف اسرار شیخ نشابور است.

*تاثر شبستری از شعر و اندیشه های عطّار

شیخ محمود شبستری از عارفان و شاعران سده ی هشتم هجری است. طول عمر وی بیش از ۳۳ سال نبوده است. حدود سال ۶۸۷ هجری در قصبه ی شبستر آذربایجان دیده به جهان گشوده و در جوانی (سال ۷۲۰ ه. ق.) در همان ولایت روی در نقاب خاک کشیده است. هم اینک مزار این عارف عالم در شبستر وسط باغچه ای که به گلشن معروف است در جوار استادش «بهاء الدین یعقوب تبریزی» زیارتگاه اهل دل و مشتاقان اهل طریقت است. در مجمع الفصحا درباره ی شیخ محمود می خوانیم: «از مشاهیر فضلا و مشایخ زمان خود بوده و در عهد دولت الجایتو و ابوسعید خان، مرجع خواص و عوام و شهر تبریزش مقام.» (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۵۹)، دکتر ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران، شیخ محمود را از شاعران متوسّط پارسی گو و از عارفان مشهور قرن هشتم معرفی می کند. (ر. ک: صفا، ۱۳۸۶، ج ۲/۳، ص ۷۶۳).

تأثیر پذیری شیخ محمود شبستری از کلام و اندیشه های شیخ فرید الدین عطّار نیشابوری هم در منظومه های گلشن راز و سعادت نامه و هم در رساله های منثور وی از جمله مرآت المحققین و مراتب العارفین پیداست؛ به طوری که شبستری دردو رساله ی اخیر برای اثبات مطالب طرح شده ی خویش، ابیاتی را از عطار نقل می کند. «شبستری چنانکه خود نیز اشاره می کند، الفت خاصی با آثار عطّار داشته است و از همین جا ست که گه گاه لحن بیان او در گلشن راز به شیوه ی سروده های عطّار نزدیک می شود.» (موّحد، مقدمه ی مجموعه ی آثار شبستری، ۱۳۶۵، ۱۰و۱۱). حتی شیخ شبستری مثنوی گلشن راز را هموزن با مثنوی های اسرار نامه و الاهی نامه ی

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

برعکس، علاقه ی شیخ محمود پرداختن به نثر است و همان طور که در مثنوی سعادت نامه می گوید اوضاع و شرایط روزگار او را ملزم به سرودن مثنوی نموده است و او بر خلاف خواست و میل درونی خویش به این کار تن در داده است، در حالی که آویزش دل و مهارت او پرداختن به نثر است.

من که در نثر موی بشکافم — تا چرا شَعر شِعر می بافم
گر ضرورت نبودی این ابیات — کی زمن صادرآمدی هیهات
عذر واضح مرا بدین آورد — ز آسمانم سوی زمین آورد

(سعادت نامه، ابیات۶۲-۶۰)

و باز در مثنوی سعادت نامه می گوید:

شعر خود چیست تا بدان نازند — یا از او گردنی برافرازند
شعر در عالمی که مردانند — بازی کودکان همی دانند

(همان، ابیات ۶۹۹-۷۰۰)

عطّارنیز با وجود داشتن چندین مثنوی و دیوانِ غزلیات و قصاید و مجموعه ی رباعیات به نام مختارنامه، غالباً از حرفه ی شاعری تبرّی جسته و می گوید[۳]:

سه حاجت خواهم از درگاه تو من — که هستم سخت حاجت خواه تومن
که پیش ازمرگ، این دل داده درویش — ببیند روضه ی پاک تو در پیش
دگر، کز شاعرانم نشمری تو — به چشم شاعرانم ننگری تو
دگر، چون جانم از تن شد پَر آزاد — تو در برگیری اش، یارب چنین باد!

(اسرار نامه، ابیات ۳۵۹-۳۵۶)

و همو گوید:

خدا را یادکن، تا کی زاشعار؟ — خموشی پیشه کن، تا کی ز گفتار؟
اگر چه شعر در حد کمال است — چو نیکو بنگری"حیض الرجال" است

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

اینک تأثیراتی را که شبستری به طور مستقیم یا غیر مستقیم از عطّار پذیرفته، از درون آثار این دو شاعرِ عارف می کاویم و نمونه هایی را ارائه می دهیم.

۱- عطّار: اگر خواهیم در یکطَرفَةُ العین پـدید آریـم در هـــر ذرّه کونَین
(اسرار نامه، بیت ۱۸۹۲)

شبستری: توانایی که در یکطَرفَةُ العین ز کـاف و نـون پدید آورد کونَین
(گلشن راز، بیت ۳)

۲- عطّار: ورای عقل، چندان طَور بیش است که بُعدِ وَهـم رادر غَوربیش است
(اسرار نامه، بیت ۷۸۷)

شبستری: ورای عقل طوری دارد انسان که بشناسد بدان اسرار پنهان
(گلشن راز، بیت ۴۲۹)

شبستری: خود به نزد کسی که بیداراست ماورای عقـــول اَطـــوار اسـت
(سعادت نامه، بیت ۶۹۲)

۳- عطّار: تو تا یک بارگی جان در نبازی جُنـب دانـم ترا و نـــا نـــمازی
(اسرار نامه، بیت ۹۳۵)

شبستری: تو تا خود را به کلّی در نبازی نمازت کی شود هرگز نمازی
(گلشن راز، بیت ۴۱۰)

۴- عطّار: مبادت هیچ با نادان سر و کار که تا زو ناردت جان کاستن بار
(اسرار نامه، بیت ۳۰۷۱)

شبستری: مبادا هیچ با عامت سرو کار که از فطرت شوی ناگه نگونسار
(گلشن راز، بیت ۹۰۱)

۵- عطّار: برو سودای بیهوده مپیمای مَنه بیرون ز حدِّ خویشتن پای
(اسرارنامه، بیت ۸۴)

شبستری: موثّر حق شناس اندرهمه جای ز حدِّ خویشتن بیرون منه پای
(گلشن راز، بیت ۵۳۵)

۶- عطّار: تا به کی چون صوفیان بی قرار چرخ خواهم زددرین میدان کار؟
(مصیبت نامه، بیت ۲۷۰۵)

عطّار: اَلا ای صوفی پیروزه خرقه بهگردش خوش همیگردی بحلقه
زهی حالت نگر از عشق پیوست که تا روز قیامت گردشت هست
(اسرارنامه، ابیات ۶۲۶-۶۲۵)

شبستری: صوفیان کبود پوش همه در غم دوست در خروش همه
(سعادت نامه، بیت ۸۱۴)

ابیات اخیر خطاب به آسمان است که عطّار آن را همچون صوفی در حال سماع با خرقه ای پیروزه رنگ می بیند که تا قیامت در این سماع خود سرگرم است و این از گرمای عشق است و شبستری نیز آسمان و افلاک را همچون صوفیان خرقه پوش بی قراری می داند که همواره در غم دوست (= حق) بی قرار و در خروش اند.

۷- عطّار: بر آری پنبه یپندارت از گوش درآیی چون خُم خمخانه در جوش
(اسرار نامه، بیت ۱۵۶۷)

شبستری: برآور پنبه یپندارت از گوش ندای واحد القهّار بنیوش
(گلشن راز، بیت ۴۴۱)

۸- عطّار: وجود، آیینه است، امّانهان است عدم، آیینه را آیینه دان است
(اسرارنامه، بیت ۱۵۵۷)

شبستری:عَدَم آئینه ی هستی است مطلق کزو پیداست عکس تابش حق
(گلشن راز، بیت ۱۳۳)

شبستری: عَدَم آئینه، آینه عَدَم است که حَدَث در مقابل قِدَم است
(سعادت نامه، بیت ۳۱۳)

۱۳۵ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۳۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

به هرساعت جوان وکهنه پیراست　　به هر دم اندر اوحشرو نشیراست
درو چیزی دوساعت می نپاید　　در آن لحظه که می میرد بزاید
(گلشن راز، ابیات ۶۴۳-۶۴۶)

۱۶-عطّار: همان مذهب که مشتی پیرزن راست　مراآن مذهب است، اینک سخن راست!
بسی بشناس و چون من گرد عاجز　علی الحق این بود دینِ عجایز
(اسرار نامه، ابیات ۷۹۰-۷۹۱)

شبستری: چه کردی فهم ازدین العجایز　که برخود جهل می داری تو جایز
(گلشن راز، بیت ۱۸۴)

مضمون ابیات اشاره به عبارت "عَلَیکُم بدینِ العجائز" (بر شما باد ایمانی از نوع ایمان پیر زنان) داردکه آن را به عنوان حدیث نقل کرده اند و برخی از ناقدان حدیث آن را مردود شمرده اند. (ر.ک: تعلیقات اسرارنامه، ص ۳۲۷). این نکته قابل ذکر است که شبستری «حتّی وقتی قول مدّعی را که با تمسّک به اشارت علیکم بدین العجائز از تفکّر و تأمّل روحانی باز می ایستد، معروض نقدو طعن می سازد، با آن که عطّار هم در مواردی با قول مدّعی توافق نشان می دهد ؛ تعریض وی متوجّه طرز تلقی او نیست. حاصل قول عطّار را ضمن نفی آنچه مستمسّکِ مدّعیِ بیدردِ جاهل است، قابل تأیید هم می داند.» (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۲۶۴)

۱۷- عطّار: نکو گویی نکو گفته ست در ذات　که «التوحید اسقاط الاضافات»
(اسرار نامه، بیت ۵۵)

شبستری: نشانی داده اندت از خرابات　که «التوحید اسقاط الاضافات»
(گلشن راز، بیت ۸۳۵)

۱۸-نقل ابیاتی چند از عطّار در رساله های منثور "مرآت المحققین "و "مراتب العارفین "نمونه هایی دیگر از توجّه و علاقه ی شیخ به کلام عطّار را نشان می دهد.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۴۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۴۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۴۵ ◇◇◇